

سرزمین آرزوها

جلال فرمند

Farahmand@iichs.org

غریبان و تحلیلگران اروپایی، شاه شدن رضاخان را همواره با عنوان نمادمدنیت و پیشرفت ایران معرفی می‌کنند. هر چند نمی‌توان انکار کرد با آمدن وی برخی کارهای اصلاحی ظاهری، چون ساختن راه، ساختمان‌سازی و راه‌آهن در ایران پا گرفت. البته باید دانست هر دولتی نهایتاً برای حفظ پایداری خود و حفظ اقتدارش در سرزمینی پهناور چون ایران مجبور به انجام دادن این کارها بود، ولی کاری که رضاخان با فرهنگ ایرانی کرد کار هر کسی نبود.

در حقیقت رضاشاه، کار فرهنگی را با کار نظامی یکی می‌دانست. رضاشاه ایران را چون پادگانی بزرگ می‌دانست که وی به عنوان فرمانده آن، از سربازانش اطاعت محض می‌خواست و لزوماً برای ایجاد این نظم و اطاعت محض می‌بایستی نسق سربازان را می‌کشید.

مظاهر تمدن از تغییر چهره طهران شروع شد. «طهران» می‌بایستی «تهران» می‌شد. شهردار تندرو و بیرحم وی، یعنی بوذرجمهری که از نظامیان قسی‌القلبش بود به زور سرنیزه طهران را متمدن کرد. هرچه از نظام پیشین بود می‌بایستی برچیده می‌شد. بوذرجمهری و لشکر عمله شهریش شروع به نابودی میراث قدیمی و اندک تهران کردند. طهران می‌بایستی تنبیه می‌شد، مانند دانش‌آموزی که به جرم تخلفات، سرش به دست ناظم سنگدل با ماشین چهارحانه می‌شد. بحثی در آن نیست که تهران لایق کشوری چون ایران نبود، ولی مناقشه در آن است چرا بدون برنامه؟

با خط‌کش خیابانها برای تهران کشیده شد و بسیاری از آثار ارزشمند با خاک یکسان شد. چند نمونه آن که تنها یادی از آنها مانده است: دروازه‌های زیبای دوازده‌گانه، تکیه دولت به عنوان اولین صحنه نمایش و تئاتر کشور، بسیاری از کاخهای شهری و....

پس از مدتی تخریب و ساخت و سازهای جدید، تهران تا اندازه‌ای به چشم شاه و حلقه شبه‌روشنفکری وی نشست، ولی این شهر یک چیز مهم کم داشت؛ چهره آدمها و عابران این شهر به زور تمدن شده هنوز قجری و قدیمی بودند. حال می‌بایستی آدمها مدرن می‌شدند. پس فرمان تعویض لباس و لباس متحدالشکل صادر شد. مردم ملبس به کت و شلوار و کلاه پهلوی یک لبه شدند. گاه این تغییر چهره، شکل خنده‌داری می‌یافت. چه بسیار کسانی از اهل شهر یا بیرون آن پولی برای خرید لباسهای متحدالشکل نداشتند، ولی قیچی حکومت نظامی آنان را مدرن می‌کرد. لباس بلند به مدد قیچی کوتاه می‌شد و بدون آنکه اصلاحی در آن انجام گیرد به شکلی خنده‌دار بر تن صاحب آن زار می‌زد. چه بسیار کسان که با همین چهره، شهر را زشت‌تر می‌کردند. انگار می‌خواستند با فرمان شاه مخالفت کنند.

از دید حلقه یاران رضاشاه، درد مردم ایران فقط ظاهر نبود. مشکل فرهنگی و سنتی بود که ریشه در اسلام و دین داشت. پس می‌بایستی با آن به ستیز برخیزند. درگیری مستقیم، خطرناک و دردسرساز بود. از سویی خود شاه نیز می‌ترسید. شاه می‌بایستی الگویی برای خود انتخاب می‌کرد.

رضاشاه چندان اهل سفر خارجی نبود. اولین و آخرین سفرش به بین‌النهرین بود آن هم در دوران سردار سپه‌اش. پس مشاورانش سفری مهم برای وی تدارک دیدند. سفر به ترکیه، این سفر، سفر تغییرات رضاشاه بود.

ترکیه دم‌دست‌ترین کشور شبه‌اروپایی بود. ترکیه‌ای که با رهبری مصطفی کمال‌پاشا که پس از مرگش آتاتورک نام گرفت عثمانی را به ترکیه اروپایی تبدیل کرد و تمدن اجباری را به عثمانی تزریق کرد، یعنی همان تمدنی که رضاشاه درصدد ایجاد آن در ایران بود. این دو جامعه شباهتهای زیادی به هم داشتند. مردم علاقه عمیقی به مذهب داشتند و سنتها در آن ریشه داشت. تغییرات ایجاد شده به وسیله کمال‌پاشا راه جدیدی جلو رضاشاه باز می‌کرد. پس سفری دو هفته‌ای که بعدها یک ماهه شد برای شاه تدارک دیده شد. روز شنبه ۱۲ خرداد ۱۳۱۳ رضاشاه با همراهان خود عازم ترکیه شد.^۱

ترکها سنگ‌تمام گذاشتند. علاوه بر فخرفروشی در نمایش ارتش، تمدن

۱. همراهان رضاشاه در این سفر عبارت بودند از: کاظمی وزیر امور خارجه، شکوه‌الملک رئیس دفتر مخصوص، سمعی رئیس تشریفات داخلی، امیرنظام رئیس تشریفات خارجه، امیرلشکر امان‌الله جهانبانی، سرتیپ عبدالرضا افخمی، سرتیپ کوبال، سرهنگ ارفع، سلطان مزینی، سلطان خسروانی، سلطان دکتر اسفندیاری، ستوان یکم قدیمی، سلطان ظلی، ارفع رئیس رمز ستاد ارتش و چند نفر دیگر. حسین مکی. تاریخ بیست ساله ایران (استمرار دیکتاتوری رضاشاه پهلوی). تهران. نشر ناشر، ۱۳۶۲. ج ۶، ص ۱۴۶.

شبه اروپاییشان را هم به رخ شاه ایران کشیدند. انگار همان مجادله بین ایران و عثمانی سابق ادامه داشت و شکل و شمایل آن اندک تغییری یافته بود. مراسم حاشیه‌ای نیز چندان به مذاق شاه بد نیامد. مراسمی از قبیل مجالس رقص که مخلوطی از زنان و مردان متجدد ترک در آن حضور یافته بودند. شاه به این مراسم که برایش چندان آشنا نبود دقت می‌کرد. رژه دختران پیشاهنگ و زنان بی سربند هم از جمله این مراسم بود. رضاشاه که تحت تأثیر قرار گرفته بود بعدها گفت: «ما رفته بودیم با یک مرد بسیار بزرگ ملاقات کنیم. ما باید ملت خودمان را همان‌طور به درجات رشد و حیات برسانیم که او ملت خودش را رسانیده بود.»^۲

مستشارالدوله سفیرکبیر ایران در ترکیه، تأثیرپذیری رضاخان از بی‌حجابی زنان ترکیه و کل فرهنگ غربی ایجاد شده در آن را زیاد می‌داند و داستانی از یکی از شبهای رضاخان را چنین شرح می‌دهد:

شبی پس از پایان ضیافت رسمی باشکوه وقتی رضاشاه به عمارت حزب خلق که محل اقامت او در آنکارا بود مراجعت کرد تا پاسی از شب نخوابد و در تالار بزرگ خانه ملت قدم می‌زد و فکر می‌کرد و گاه‌گاه بلند می‌گفت: «عجب! عجب!» وقتی چشمان شاه متوجه من شد که در گوشه تالار ایستاده بودم، فرمود: «صادق، من تصور نمی‌کردم ترکها تا این اندازه ترقی کرده و در اخذ تهران اروپا جلو رفته باشند. حالا می‌بینم که ما خیلی عقب هستیم مخصوصاً در قسمت تربیت دختران و بانوان... فوراً باید با تمام قوا به پیشرفت سریع مردم مخصوصاً زنان اقدام کنیم.»^۳

در این سفر، شاه گشاده‌دست شد و مناطق مهمی از مرزهای مورد اختلاف را به ترکیه داد.^۴ در عوض سوغات تغییر فرهنگ را از آنان پاداش گرفت. از آن مهم‌تر دل و

۲. همان، ص ۱۵۲.

۳. همان، ص ۱۵۷.

۴. پس از اتمام این سفر زمینه بسیاری از قراردادهای فراهم گردید. فهرستی از این قراردادها بدین صورت است:

۱. قرارداد اقامت مورخ ۲۱۳ اسفند ۱۳۱۵
 ۲. قرارداد تعاون قضایی در مسائل حقوقی و تجاری
 ۳. عهدنامه تجارت دریانوردی
 ۴. قرارداد راجع به مناطق سرحدی
 ۵. موافقتنامه برای تنظیم عمل دفاتر گمرکی
 ۶. موافقتنامه مخصوص به دایر نمودن خطوط تلگرافی و تلفن
 ۷. قرارداد دامپزشکی
 ۸. موافقتنامه راجع به اصلاح خط سرحدی ایران - ترکیه
- نظر جرائد و مجلات خارجی درباره اعلیحضرت رضاشاه کبیر. تهران، مرکز بررسی و تنظیم اسناد وزارت امور خارجه، ۱۳۵۵. صص ۱۶۴-۱۶۵.



جرئت بود که کمال‌پاشا در هنگامه تغییرات عثمانی به خرج داده بود؛ دل و جرئتی که رضاشاه چندان نداشت، ولی این سفر زمینه آن را فراهم کرد.^۵ هنوز سالی از بازگشت رضاشاه نگذشته بود که جرقه تغییرات در ذهن شاه به توفانی تبدیل شد. فرمان جدید صادر شد؛ فرمان کشف حجاب.

البته وی بارها در جمعهای درباری به این جرقه فکری اشاره می‌کرد و حداقل جمعی اطرافیان خود را مهیای این عمل می‌نمود. محمود جم یک بار شاهد این منویات فکری بود:

نزدیک دو سال است که این موضوع — کشف حجاب — سخت فکر مرا به خود مشغول داشته است، خصوصاً از وقتی که به ترکیه رفتم و زنهای آنها را دیدم که «بیچه» و «حجاب» را دور انداخته و دوش به دوش مردهایشان در کارهای مملکت به آنها کمک می‌کنند، دیگر از هرچه زن چادری است بدم آمده است. اصلاً چادر و چاقچور دشمن ترقی و پیشرفت مردم است. درست حکم یک دمل را پیدا کرده که باید با احتیاط به آن بیشتر زد و از بیش برد.^۶

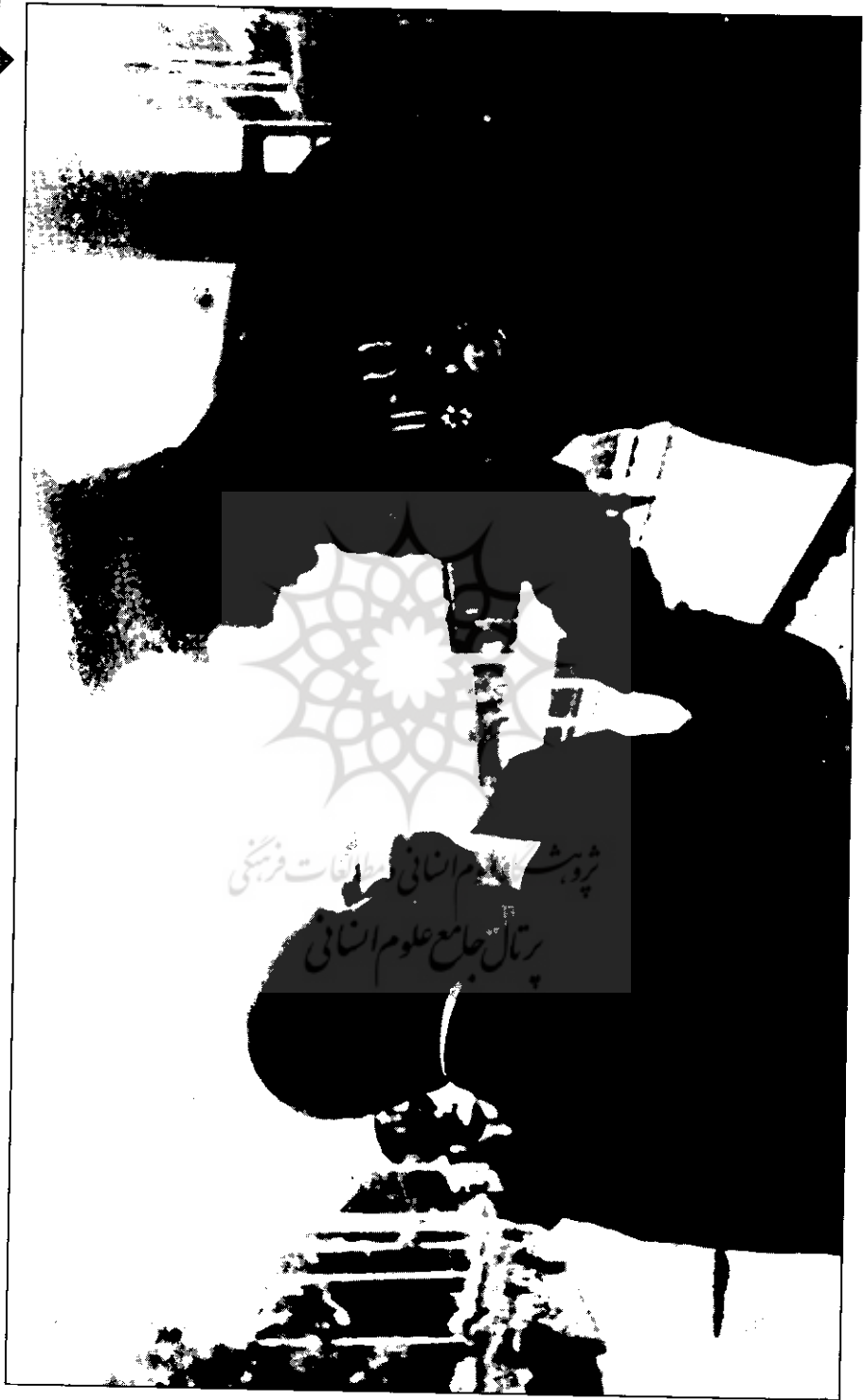
حال ما دیگر با تمدن اروپا راه می‌پیمودیم، ولی رضاشاه نمی‌دانست که ایران نه تنها اروپا نیست بلکه حتی ترکیه نیمه متمدن به ظن رضاشاه هم نیست. ریشه دینی مردم چنان عمیق بود که فقط کافی بود واقعه‌ای چون شهریور بیست پیش آید که این پادگان بزرگ، سر به شورش زند و هرچه رضاشاه کاشته بود در آتش شورش مردم بسوزد. با توجه به اهمیت این سفر و نقش آن در مناسبات فرهنگی و اجتماعی ایران در این شماره فصلنامه، تعدادی از تصاویر آن را به نمایش گذاشته‌ایم.

پرتال جامع علوم انسانی



۵. موگرا وزیر مختار فرانسه در تهران به وزارت خارجه فرانسه گزارش می‌دهد که: مسرت شاه از دیدار مصطفی کمال وصف‌ناپذیر است، یک افسر خوشبخت چون خودش که عملیات و اقداماتش چون سرمشقی برای او شده است. ظاهراً غازی در چشم او قهرمان است ولی آیا می‌تواند کاملاً به او بپردازد و از ایران فارغ باشد؟

۶. محمود پورشالچی. قزاق، عصر رضاشاه براساس اسناد وزارت خارجه فرانسه. تهران، مروارید، ۸۴ ص ۵۹۶. مهدی صلاح. کشف حجاب، زمینه‌ها، پیامدها و واکنشها. تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی،



ایستگاه راه آهن آنکارا (خرداد ۱۳۱۳)؛ مصطفی کمال پاشا به استقبال رضاخان آمده است. [۶۱۲۱۶-۶۲۷۵م]



پیشگامان علمی و تحقیقات پزشکی
پرتال جامع علوم انسانی

آکسرا؛ استخوان از رضاخان پهلوی [۱۸۱۸-۱۸۷۵م]



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رساله جامع علوم انسانی

رضاشاه، مصطفی کمال پاشا و کاظم پاشا (رئیس مجلس ترکیه) (۱۹۱۶م-۱۹۷۵م)

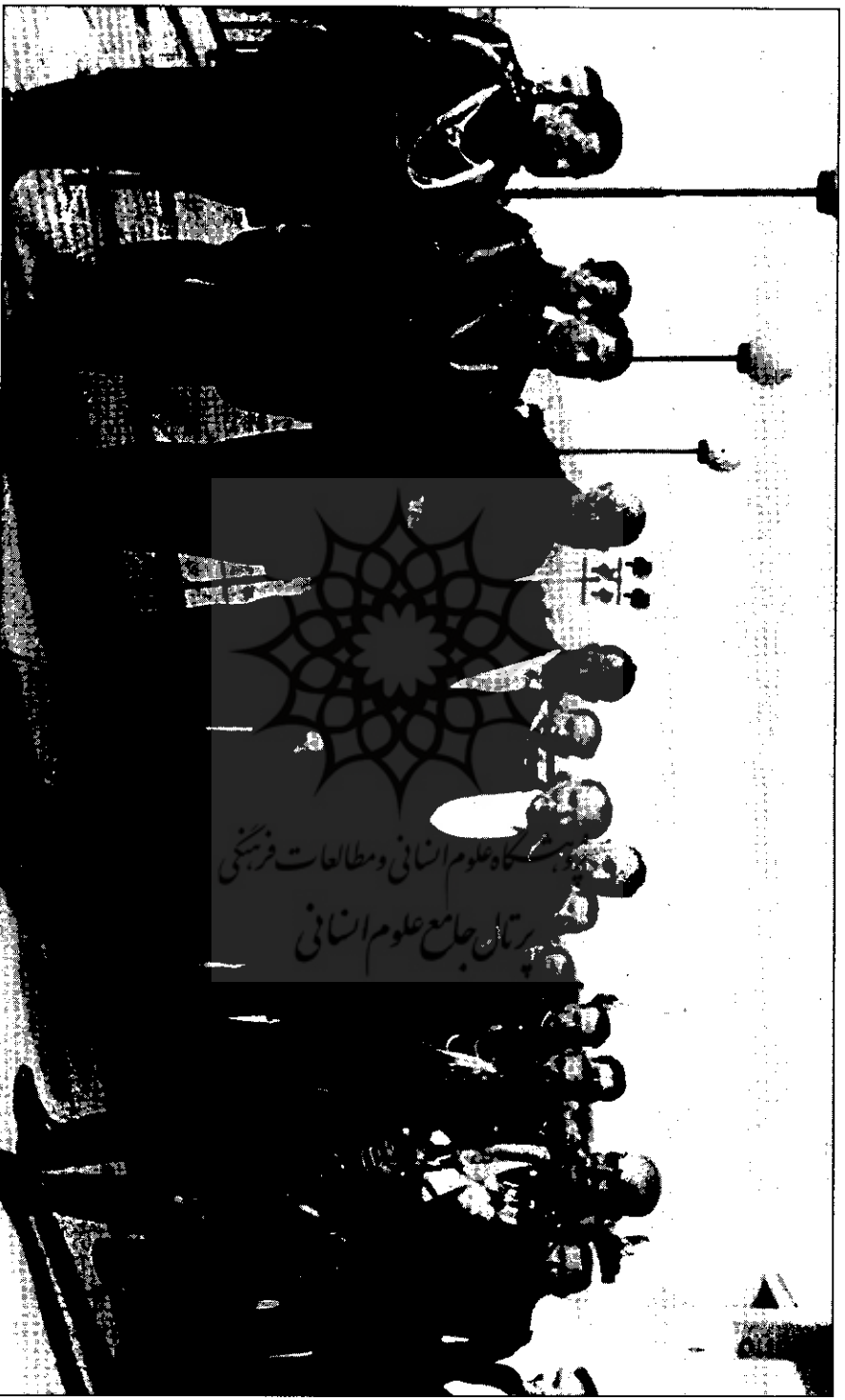


رضاخان بهلوی در حال معرفی همراهان خود به آنتونرک در ایستگاه راه آهن آنکارا؛ رضاخان، مصطفی کمال پاشا، حسین سیمین [۲۰۲۱-۲-۲۱ع]

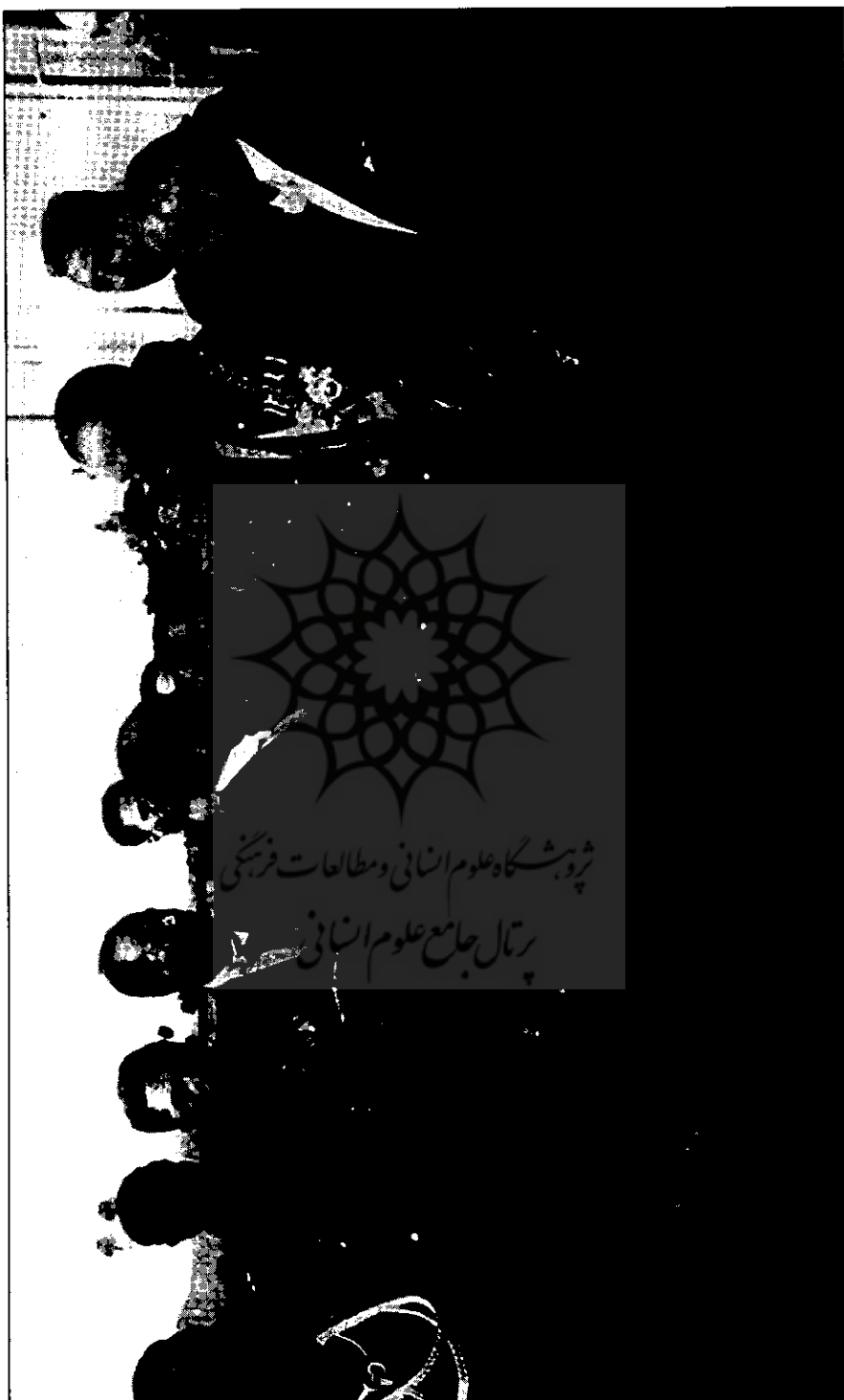


از راست: کاظم پاشا (رئیس مجلس ترکیه)، مصطفی کمال پاشا، رضاخان پهلوی و فخرالدین پاشا (رئیس ستاد ارتش ترکیه) [۸۱۱۷-۸۱۷۵م]





رضاحان پهلوی و آاتورک به اتفاق جمعی از مقامات سیاسی و نظامی دو کشور، از راست: کاظم پاشا، رضاشاه، صباالرضا الفیسی، نصیرالدین پاشا، مصطفی کمال پاشا، امان‌الله جهانبانی، حسن ارفعی، محمدصادق کویاک [۶۱۱۰۹-۶۳۷۵م]

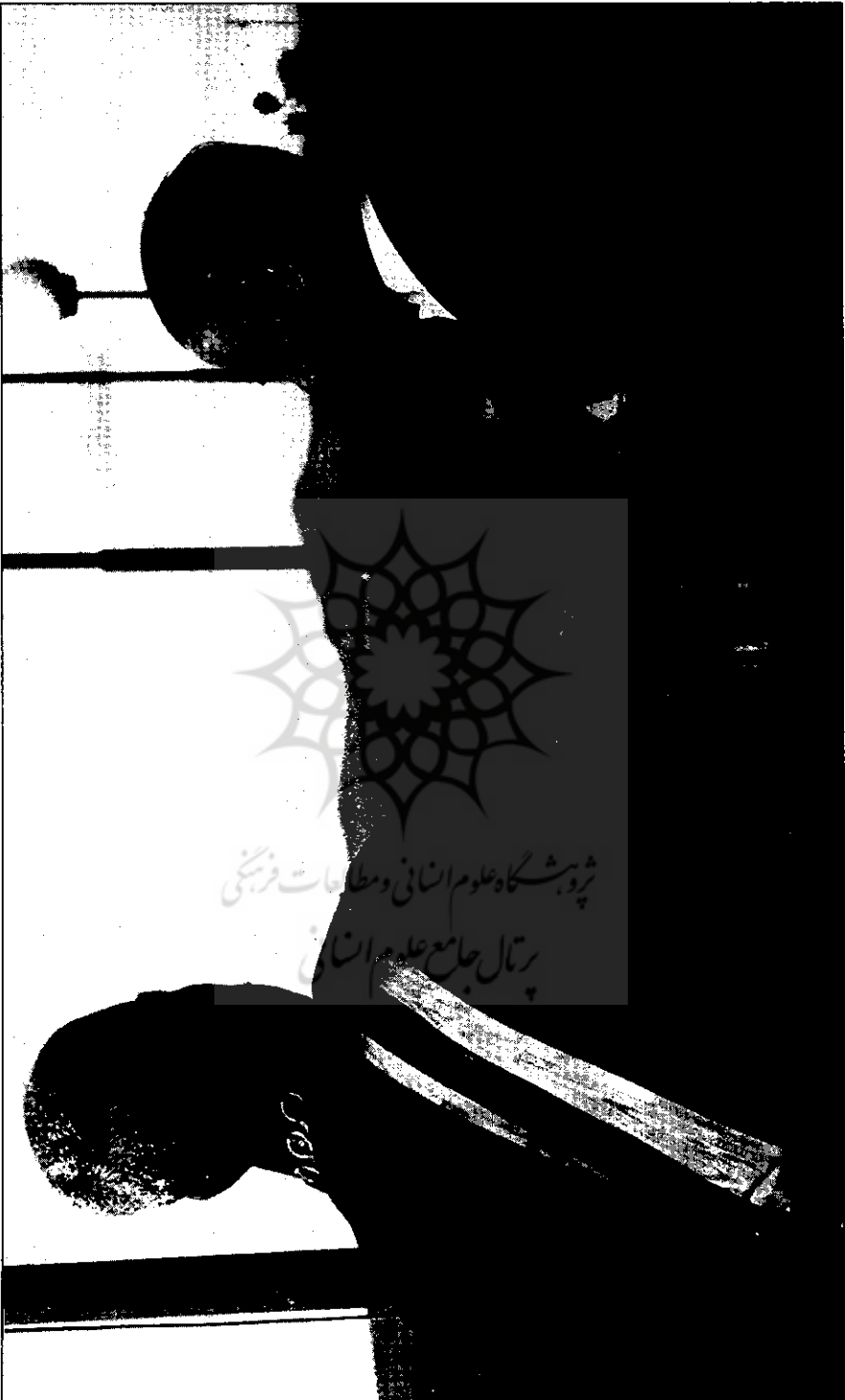


از راست: عصمت اینونو، رضاخان پهلوی، صادق صادق (مستشارالدوله)، مصطفی کمال پاشا، امان‌الله جهانبانی، حسن ارفع، محمدصادق کویال [۶۱۲۱۸-۶۲۷۵م]





رضاخان پهلوی و مصطفی کمال پاشا سوار بر اونیستل در حال عبور از خیابانهای آکرا [۹۱۷۸-۶۱۷۵-۲۷۵]





همیشه که علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رشته‌های جامع علوم انسانی

از راست: عممت اینوزو، مصطفی کمال‌پاشا و رضاخان پهلوی [۶۱۳۰۱-۶۱۷۵م]



از راست: حسین شکوه، رضاخان پهلوی، باتر کاظمی، مصطفی کمال پاشا و نقر آخر امان‌الله جهانگیری [۱۳۷۶-۶۱-۱۷۵م]



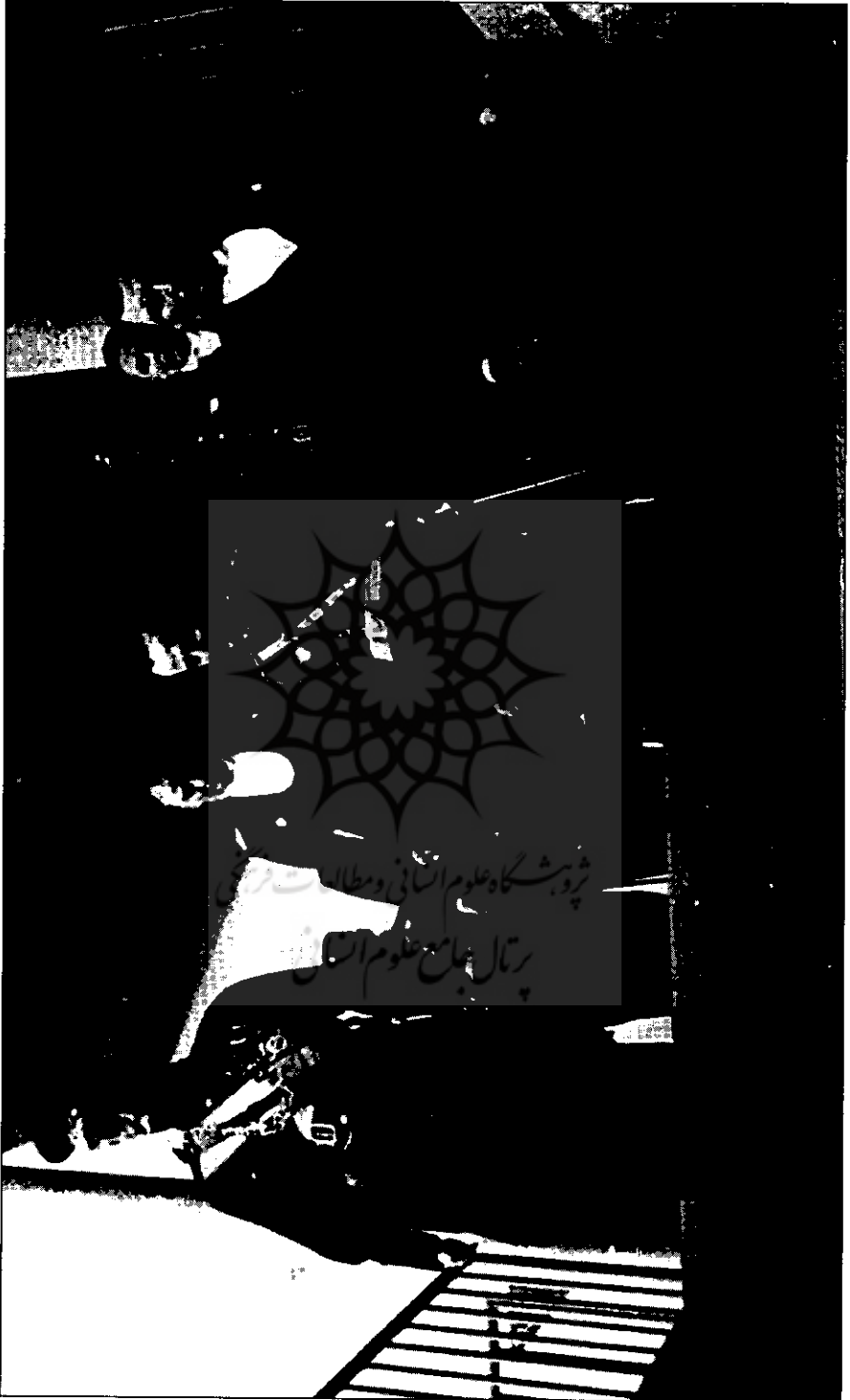
رضاخان بھاری، رشیدی آراس (انٹرنر خارجہ ترکیہ) و مصطفیٰ کمال پاشا [۱۱۳۹ھ-۱۲۷۵ھ]



از چپ: رضاخان پهلوی، عصمت اینونو، مصطفی کمال پاشا و باقر کاظمی [۶۱۴۱-۶۱۷۵م]



پنج گنجینہ
رسالہ جامع علوم انسانی و مطالعات فرہنگی

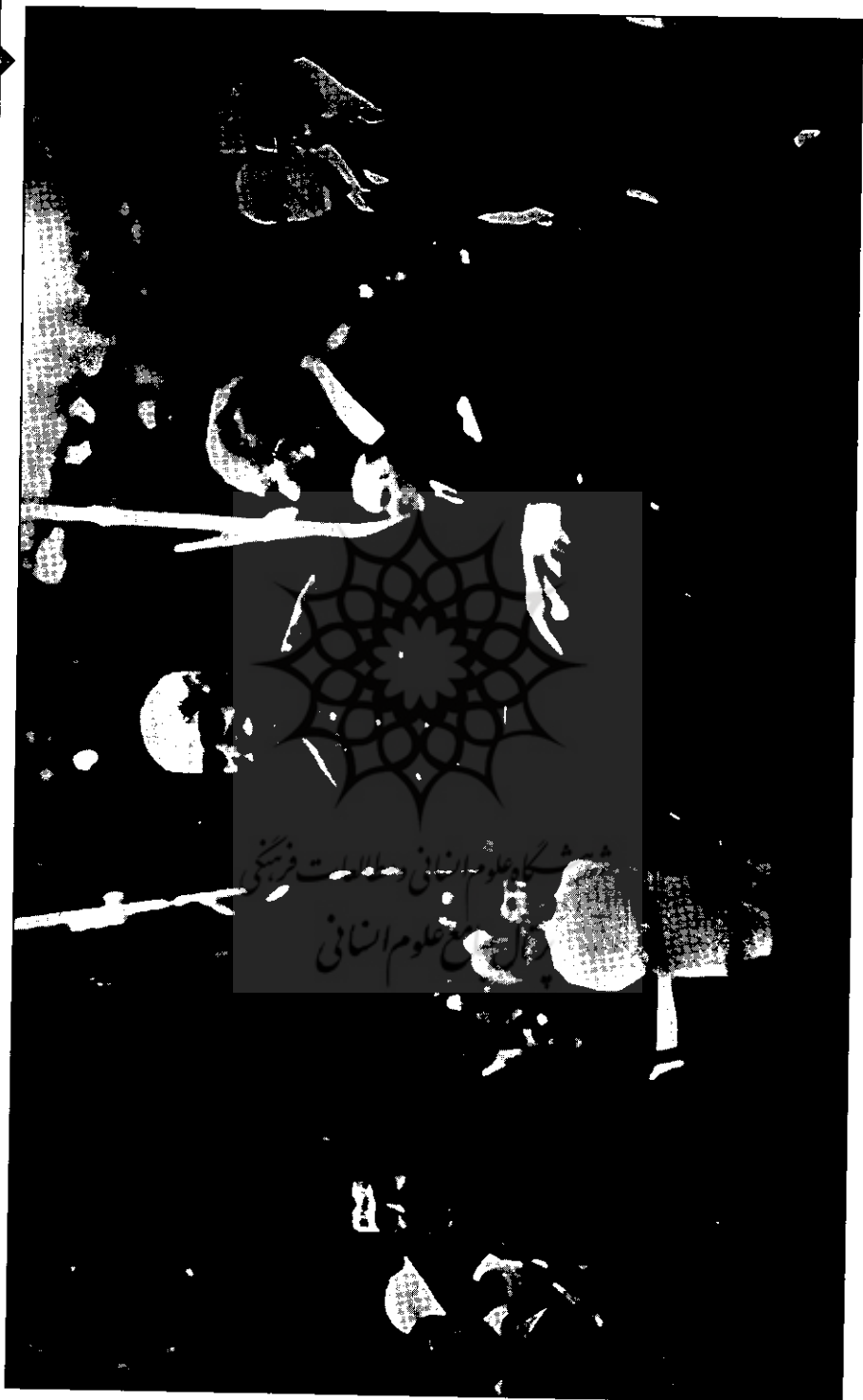




پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی



زیارت شام به مناسبت سفر رضاشاه به ترکیه؛ از راست: مصطفی کمال پاشا، رضاخان پهلوی، بانو کاظمی و صادق صادق [۱۳۲۲-۶۱۱۳۲-۲۷۵م]



رضاخان پهلوی در یک بازدید رسمی [۱۰۸۷-۶۱-۲۷۵م]



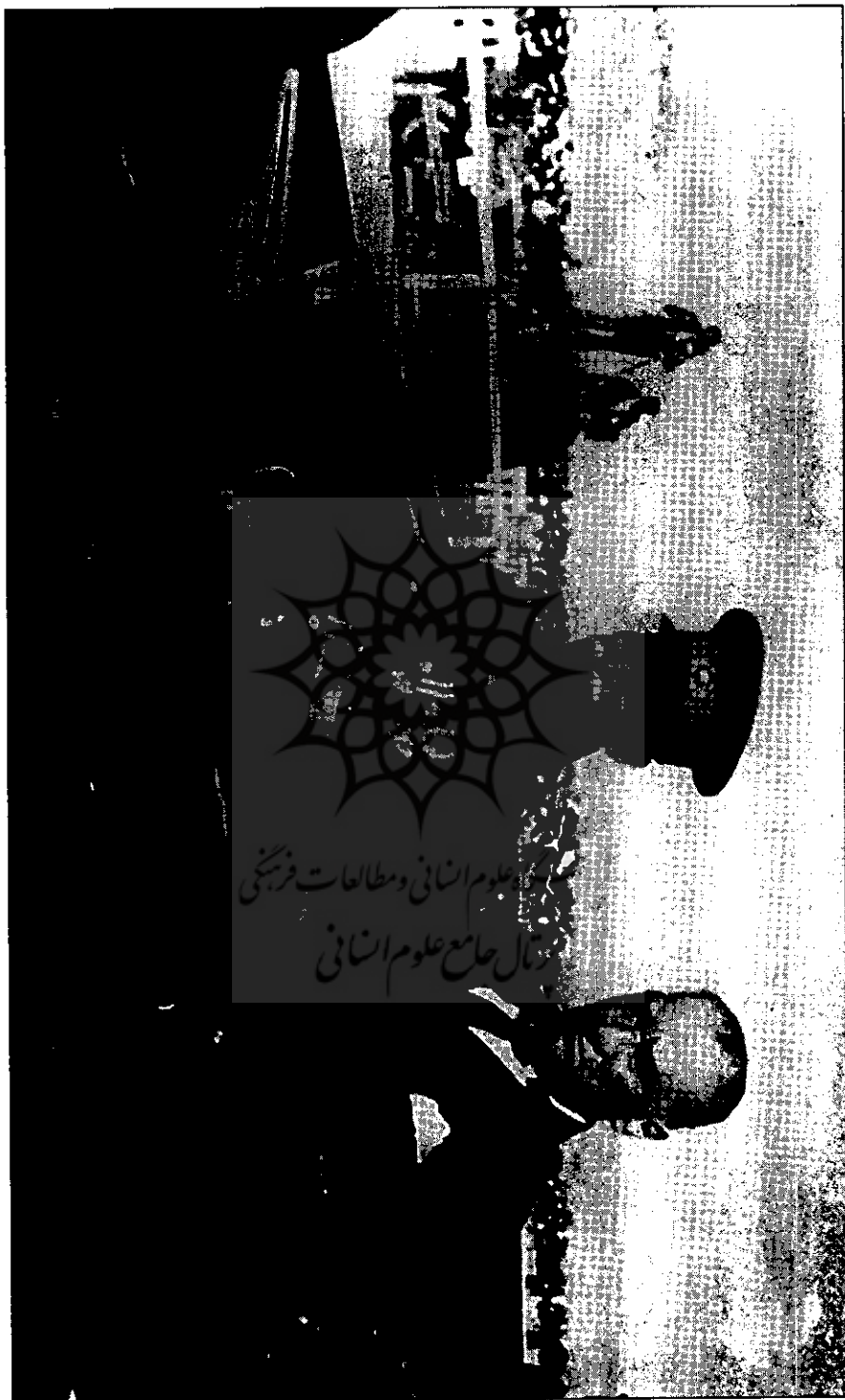
رضاخان بھلوی و کمال آناورک [۱۰۸۲-۶۱۰۸۷-۲۷۵]





مشکات و علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

ضیافت رئیس جمهور ترکیه به مناسبت سفر رضاشاه به این کشور؛ میز اول از راست: باقر کاظمی، مصطفی کمال پاشا، رضاخان پهلوی و عصمت اینونو؛ میز دوم: امان‌الله جهانیانی و محمدصادق کویال [۱۳۹۶-۶-۲۷۵م]



مجموعه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
موسسه عالی علوم انسانی

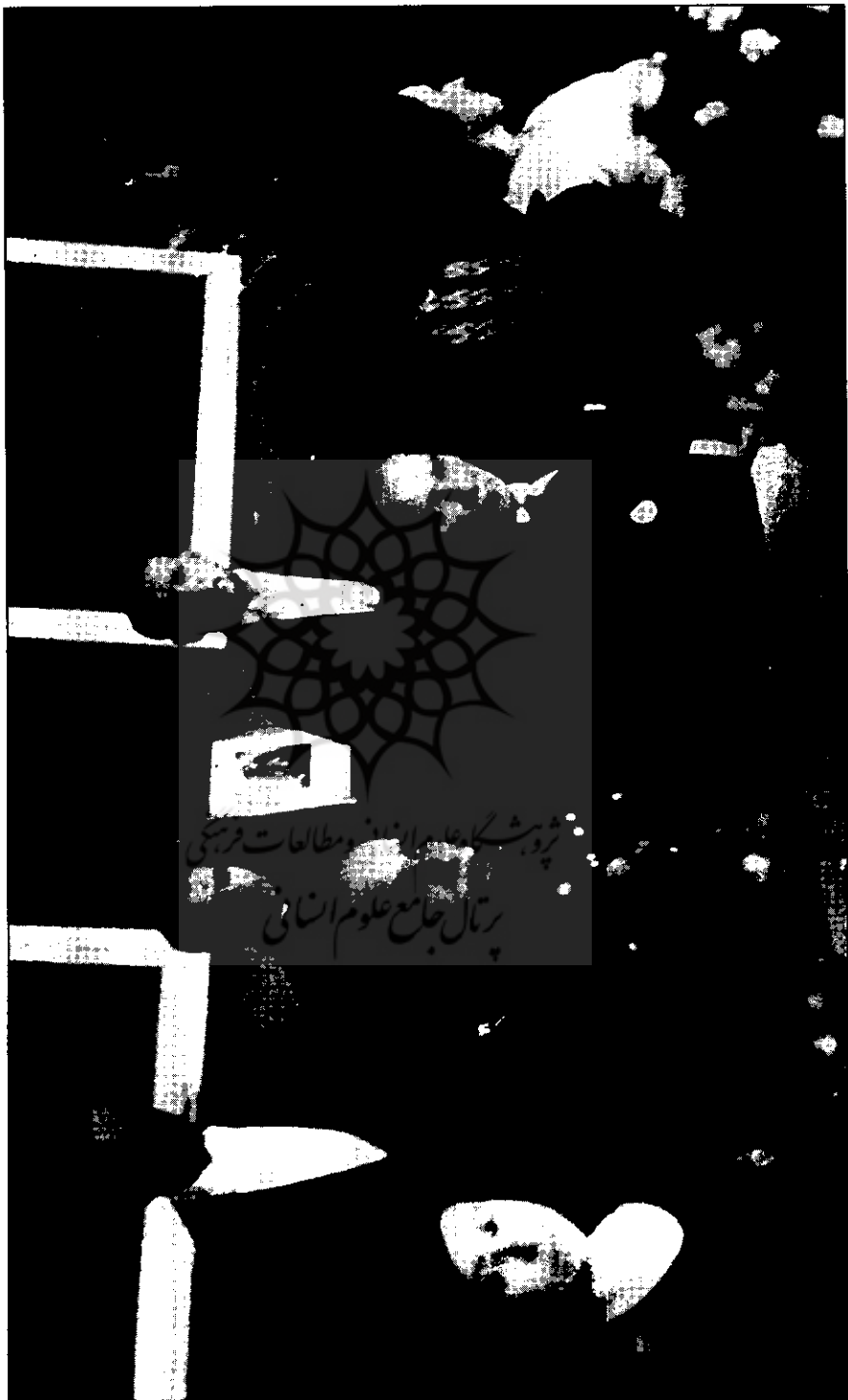
[۰۸۱۶-۵۸۸-۳۷۵]



از راست: عصمت ایونو، رضاخان پهلوی، مصطفی کمال پاشا، رشیدی آراس (وزیر خارجه ترکیه)، کاظم پاشا (رئیس مجلس ترکیه)، صادق صندق (مستشارالدوله) (۱۱۸۸-۱۳۷۵م)



مهمانی جای در افتادگاه رئیس جمهور ترکیه [۱۱۱۱-۱۳۷۵م]





میشکوه علوم تاریخی و ادبیات
 پنهان در طبع علوم الهی

ضیافت شام مصطفی آتاتورک به افتخار سفر رضاشاه به ترکیه: از راست: حسین سنجی، رشیدی آراس، مصطفی کمال پاشا، رضاشاه پهلوی، بانو کاظمی، صادق صادق، حسن رفیع، محمدصادق کویا، کاظم پاشا، هممت ایوب، فخرالدین پاشا، عبدالرضا الفخمی [۱۱۷۵-۱۱۷۵م]



پژوهشگاه ملی دانش و فناوری های نوین
انسان جامع علوم انسانی





کتابخانه
موسسه تخصصی
فرهنگ و زبان

به هنگام سان دیدن از روزه، از راست: عبدالرضا اقصی، حسن ارفع، امام‌الله جهانبانی، مصطفی کمال‌پاشا، فخرالدین پاشا و رضاخان پهلوی [۱۹۱۷-۱۹۱۸م]



از راست: رضاخان پهلوی، مصطفی کمال پاشا، فخرالدین پاشا، عصمت اینونو، باقر کاظمی [۱۱۷۲ق-۱۲۷۵م]



پرتال جامع علوم انسانی
پرتال جامع علوم انسانی

نازیدہ رحیمی [۰۱۱۹۰-۳۷۵]



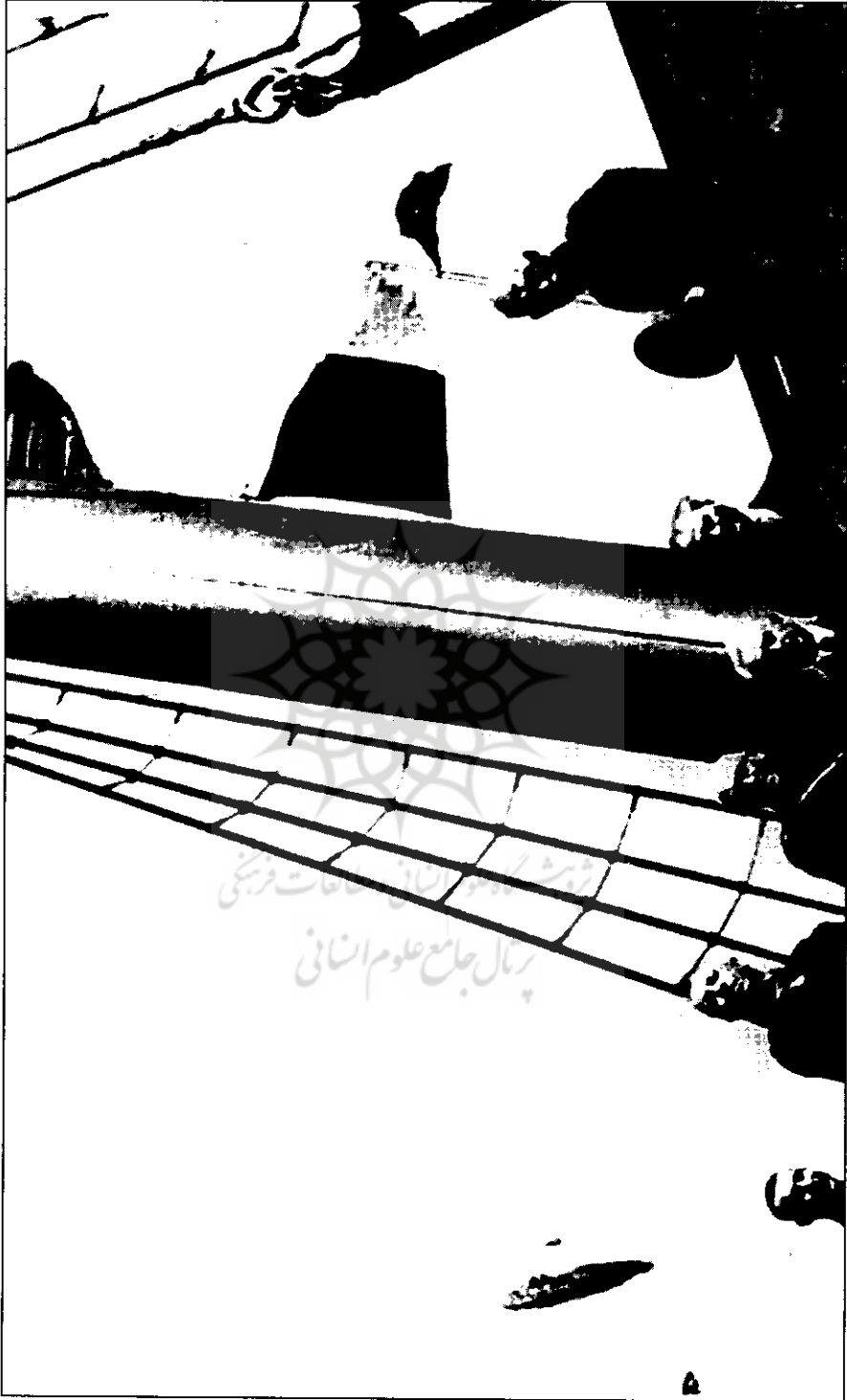


پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

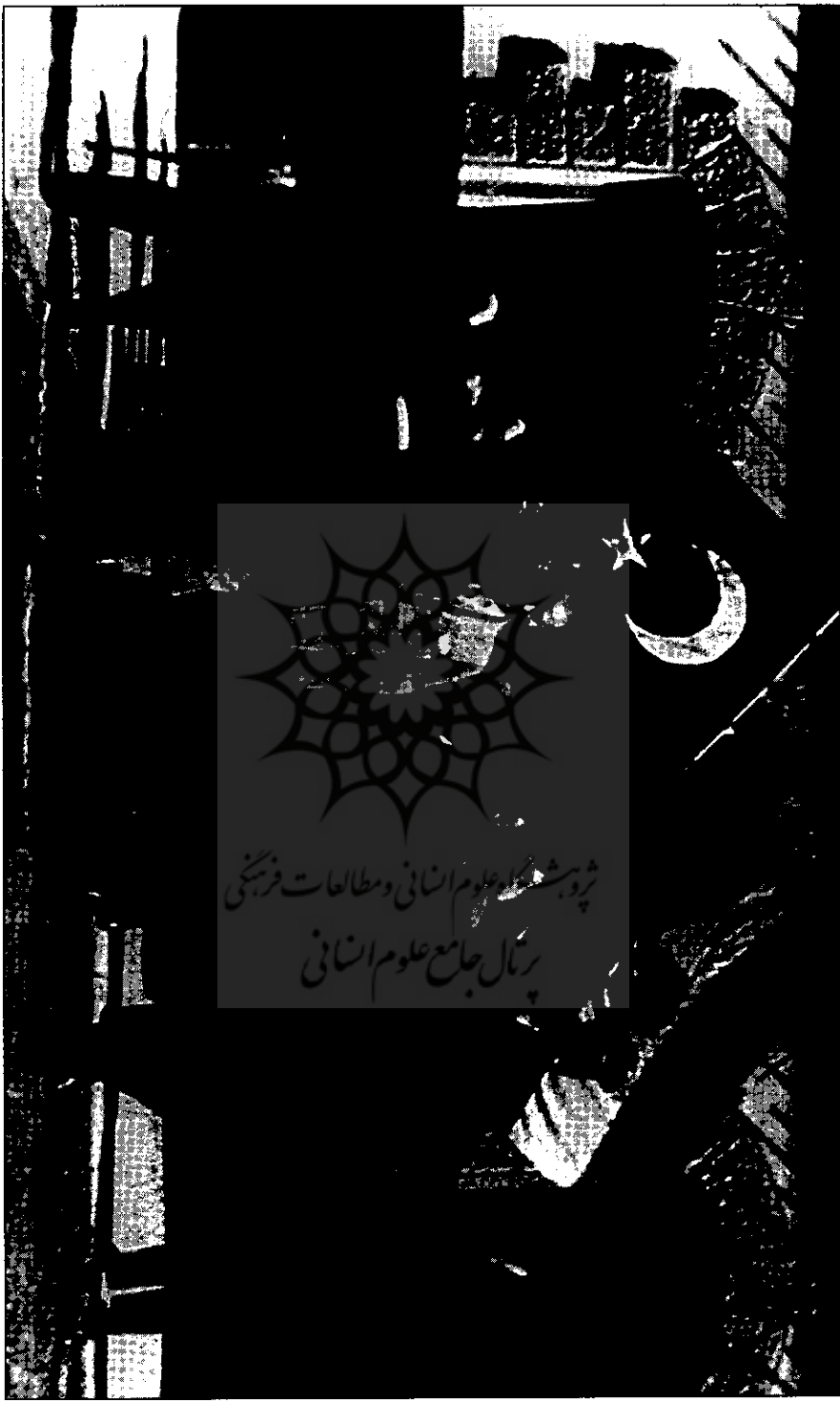
کاظم پاشا، آقا تورک، رضاخان پهلوی و باقر کاظمی [۶۱۰۷۶-۶۱۲۷۵م]



از راست: حسن ارفع، امان‌الله جهانبانی، صادق صادق، عصمت اینونو، آتاتورک، رضاخان پهلوی [۱۳۷۵-۶۱۰۸۸]



بازدید از نیروی دریایی ترکیه؛ از راست: رضاخان پهلوی، مصطفی کمال پاشا، عصمت اینونو و فخرالدین پاشا [۱۳۷۵-۶۱۱۵۳م]



نازیدہ رسمى از استاد تيروي مولاي تركيه [۱۳۶۶م-۲۰۲۵م]



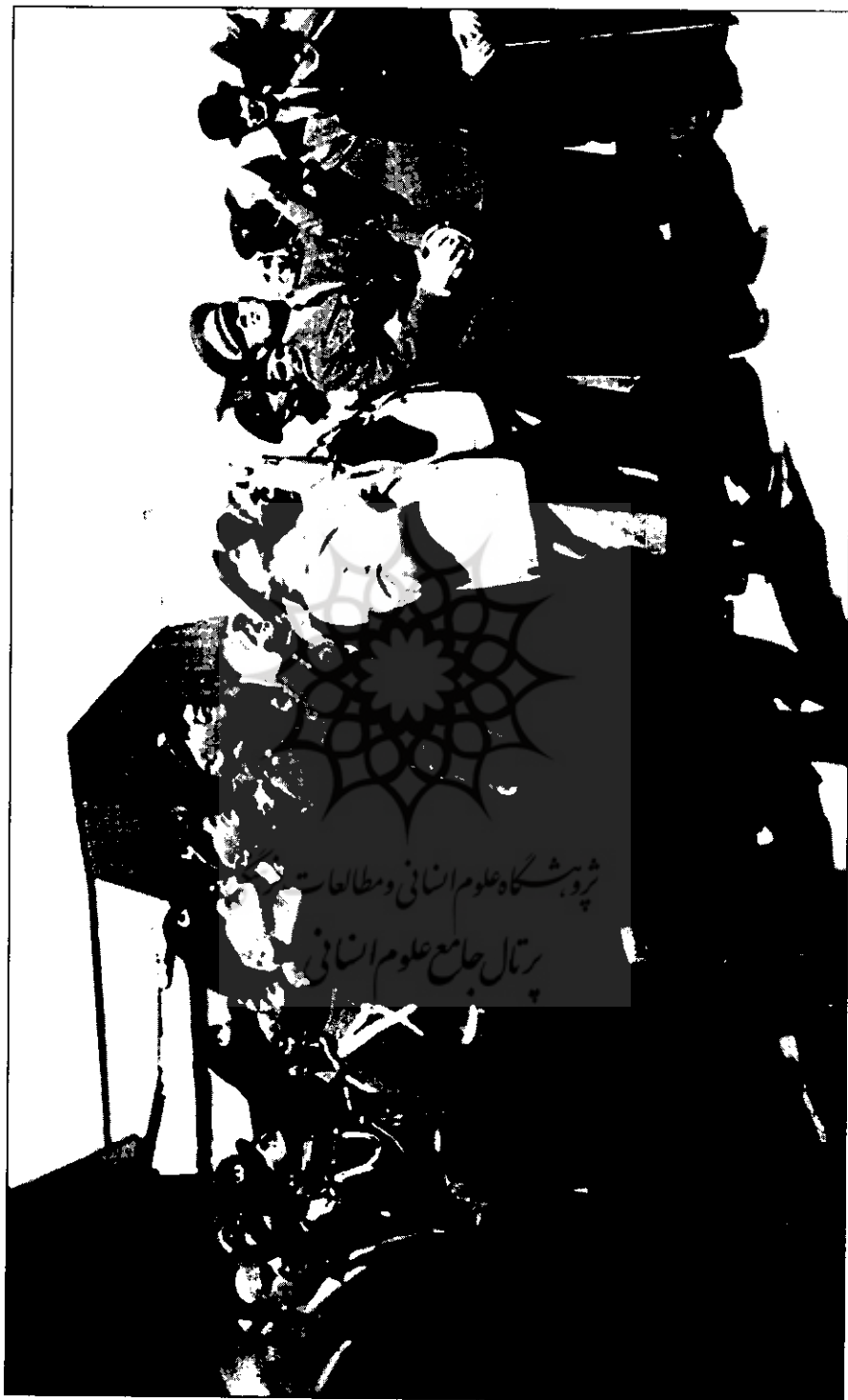


عزیمت جهت بازدید مانور نیروی هوایی ترکیه؛ امان‌الله جهانبانی، باقر کاظمی، صادق صادق، مصطفی کمال پاشا و رضاخان پهلوی [۱۳۳۶م-۲۷۵م]



پرویشگاه علوم و تحقیقات
رسال جامع علوم اسلامی

بازدید از مانور نیروی هوایی ترکیه [۱۱۱۰-۱۳۷۵م]



مانور هواپیماهای نظامی ترکیه بر فراز منطقه چناک قلعه [۶۱۴۶-۶۲۷۵م]



همیشه که علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
در مجله فصلی علوم انسانی

یازدهم از مانور نظامی ارتش ترکیه در منطقه چنک قلمه، از راست: حسن ارفع، فخرالدین پاشا، رضاخان بهلوی، مصطفی کمال پاشا، امان‌الله جهانبانی، باقر کاظمی، حسین سیمین [۱۳۳-۶۱۱-۲۷۵م]





یازدهم از مانور نظامی ارتش ترکیه در منطقه چنک قلعه، از راست: حسین سمیعی، یانر کاظمی، عصمت اینونو، آتاتورک، حسن ارفع، رضاخان پهلوی، امام‌الله جهانبانی، محمدصادق کویاک [۶۱۰۹م-۲۷۵م]







خدا حافظی شاه و رئیس جمهور ترکیه؛ کاظم پاشا رئیس مجلس ترکیه بین این دو قرار گرفته است. [۶۱۳۴-۶۱۳۵م]



پرویشکا و علوم انسانی و مشاعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

پارزید محمد رضا پهلوی از مقبره آقا نورک؛ نعمت الله نصیری، محمد رضا پهلوی، اردشیر زاهدی، محسن قراقرزلو، مرتضی یزدانی پناه [۲۵۳۴-۲۵۳۵-۱۱۵]





شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی